
راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت در نسل جوان، توسط خانواده

نسترن بهرمان (نویسنده مسئول)^۱

مینا اشرفی^۲

چکیده

فرهنگ مقوله‌ای است گسترده و یکی از مهم‌ترین عامل سازنده هویت جوان می‌باشد. معنویت به مجموعه صفات و ویژگی‌هایی در انسان گفته می‌شود که انسان را به پروردگار نزدیک می‌نماید. درهرملتی جوان، گران بهاترین سرمایه آن ملت می‌باشد و آینده هر ملت و جامعه، بسته به عملکرد جوانان آن ملت دارد. در این پژوهش به راه کارهایی برای تقویت فرهنگ معنویت در جوانان، توسط خانواده پرداخته شده است. اهمیت این پژوهش در این است که؛ هر جامعه‌ای که نیازمند موفقیت است، نیاز به تربیت جوانان فرهیخته‌ای دارد، لذا ضرورت دارد به این موضوع مهم توجه بیشتری شود. فرهنگ معنوی در یک جامعه علاوه بر سعادت دنیوی، سعادت اخروی آن ملت را نیز در برخواهد گرفت. پرورش و تقویت فرهنگ معنویت در خانواده پایه‌گذاری می‌شود. در این تحقیق به دو راهکار معنویت‌افزایی

۱. دانش پژوه دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس

تهران Na.bahreman@gmail.com

۲. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه الزهرا شهرری heydar13751396@gmail.com

توسط رفتار عملی و رابطه معرفتی پرداخته شده است. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با توجه به آیات و روایات و بیانات مقام معظم رهبری و با اشاره به بیانیه گام دوم، در بخش معنویت و اخلاق می باشد.

کلید واژگان: تقویت فرهنگ معنویت، رفتار عملی، رابطه معرفتی، بیانیه گام دوم انقلاب

اسلامی

مقدمه

فرهنگ را مجموعه آداب و رسوم جامعه می‌نامند که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و دوره جوانی، یکی از مهم‌ترین و سرنوشت سازترین دوران عمر انسان می‌باشد. در این دوره شخصیت فرد رو به شکل‌گیری قرار گرفته و اطرافیان نقش بسزایی در تقویت روحیه معنوی فرد دارند. در این میان خانواده رکن اصلی در این تربیت محسوب می‌شوند. اهمیت این موضوع از آن جایی مطرح می‌شود که، با مادی‌گرا شدن جامعه امروزی و جنگ‌های نرم و تهاجم‌های فرهنگی که پی‌درپی جوانان را که ذخایر ملی هستند را تهدید می‌کنند باید اعتقاد جوان آن‌قدر تقویت شود که این افکار و موج‌های مخرب غربی کمترین آسیب را به آن‌ها برساند و با ارائه راه کارهایی جای خالی برای نفوذ این امواج منفی پر شود. در این پژوهش با توجه به آیات و روایات و با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، و بیانات دیگر معظم له سعی بر ارائه راهکار مؤثر برای تقویت فرهنگ جوانان توسط خانواده شده است.

پیشینه این موضوع از زمان دیرینه می‌باشد. راه کارهای پرورش معنویت در نسل جوان در همه عرصه‌ها محل بحث بوده است. و این موضوع مورد مذاقه پیامبر صلوات الله علیه نیز بوده است. بعد از آن می‌توان از آثار پژوهشگران اسلامی نام برد. افراد بسیاری به مسائل جوانان پرداخته‌اند که عبارتند از: کتاب احیاء العلوم و کیمیای سعادت که ششم هجری تألیف شده و نویسنده این کتاب امام محمد غزالی می‌باشد که معرفت را در چهار چیز بیان کردند ولی دارای مطالب کلی است که به صورت جزئی به قشر جوانان پرداخته نشده است. در پایان نامه بررسی موانع تربیت انسان از دیدگاه اسلام به نگارش زهره ساده به بیان موانع تربیت از دیدگاه آیات و روایات برای انسان‌ها پرداخته شده اما پژوهش حاضر نه تنها از موانع نامی نبرده بلکه به راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت در "جوان" پرداخته شده است. مقاله شناخت جریان معنویت جویی و شاخه‌های معنویت نوظهور به نگارش حمید رضا مظاهری سیف خیلی خلاصه در رابطه با معنویت سخن گفته ولی راه کاری برای ایجاد این معنویت بیان نکرده است. پایان نامه ایجاد فرهنگ معنویت توسط نسرين سرخول نگاشته

شده است. در این پایان نامه به صورت کلی به ایجاد فرهنگ معنویت پرداخته شده و مطالب آن در رابطه با نسل جوان کوتاه و مؤثر می‌باشد اما در پژوهش حاضر سعی بر بررسی راهکارهای ترویج معنویت از منظر اسلام و با توجه به بیانات مقام معظم رهبری می‌باشد که پژوهشی که نام برده شد از این مطالب تهی می‌باشد.

مفهوم‌شناسی فرهنگ

واژه فرهنگ در فارسی معادل کلمه "ثقافه" در عربی است. (سیاح، ج ۱/ص ۱۷۸) واژه فرهنگ از دو بخش "فر" پیشاوند است و "هنگ" از ریشه "تنگ" اوستایی به معنای کشیدن و فرهیختن. (دهخدا: ۱۵۱۰۹/۱۰) فرهنگ یا فرهنگ به معنای ادب و تربیت می‌باشد و به معنای دانش و معرفت نیز آمده است. لذا سازمانی که امور تعلیم و تربیت افراد مملکت را بر عهده دارد وزارت فرهنگ نامیده می‌شود. فرهنگ بر آداب و رسوم نیز اطلاق شده است. (معین، ۱۳۸۶: ۲/۲۵۳۸) همچنین در فرهنگ عمید آمده است: فرهنگ یعنی علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت. (عمید، ۱۳۸۱: ۸۱۶) برای معانی اصطلاحی فرهنگ تعاریف گوناگونی ذکر شده از جمله: فرهنگ عبارت است از مایه‌های فکری و ارزشی که در رفتار اختیاری و اجتماعی انسان اثر می‌گذارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۲۲) مجموعه‌ای هماهنگ از دانش‌ها ارزش‌ها و هنجارهای انسانی است که به صورت نمادهای گوناگون در عرصه‌های سخت افزاری اجتماع انسان و امور مربوط به تمدن ظهور می‌یابد و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۲۷) مقام معظم رهبری در مورد فرهنگ می‌فرمایند: «فرهنگ هر جامعه و هر ملتی و هر انقلابی به مجموعه دستاوردهای ذهنی در آن جامعه که شامل دانش، اخلاق، سنن، آداب و چیزهایی که از این‌ها سرچشمه می‌گیرد گفته می‌شود و به‌طور کلی ذهنیت حاکم بر یک جامعه، به معنای وسیع آن، فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهد.» (بانکی پور فرد، ۱۳۸۰: ۵۳) همچنین آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگ را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «فرهنگ، جهت‌دهنده ذهنیت‌های انسان و عامل اصلی

و تعیین‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی است و می‌تواند زمینه مناسب را برای شکوفایی استعدادها و توانایی‌های یک ملت به وجد آورد.» (همان: ۹۵)

معنویت

معنویت "منسوب به معنی": مربوط به باطن و دورن، مربوط به فکر، عقل یا احساس درونی مقابل صوری است (انوری، ۷: ۱۳۸۸/۱۸۲) حقیقت و راستی و اصلی و ذاتی و مطلق باطنی و روحانی (سیاح، ۷۵۹: ۱۳۷۸) "منسوب به معنی" ضد لفظی، حقیقی و راست و اصلی و ذاتی و مطلق باطنی و روحانی (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۷۱/۱۳) "منسوب به معنی" مربوط به معنی، باطنی و حقیقی مقابل مادی، ظاهری و صوری (معین، ۱۳۶۴: ۴/۴۲۴۴) معنویت در اصطلاح به معنای ایمان به خدا سر سلسله همه معنویات و فضایل اخلاقی و معنوی است. اگر جامعه انسانی و افراد آن به مرحله‌ای برسند که خود پرست، خودخواه و سود جو نباشند، تعصب نژادی، منطقه‌ای و حتی مذهبی نداشته باشند، این نیست‌ها معنویت به حساب می‌آیند.» (مطهری، ۳۳۳: ۱۳۶۷) با توجه به غنای مفهوم معنویت، ارایه تعریفی عینی برای معنویت دشوار است تعریف امر معنوی و معنویت حتی از تعریف دین دشوارتر است در مقایسه با واژه دین، روان‌شناسان کمتر کوششی براین تعریف معنویت به عمل آورده‌اند و تردیدی نیست که معنویت مفهومی مبهم است. افزون بر این معنویت خارج از چارچوب دین معانی زیادی دارد. (فونتا، ۱۳۸۵: ۳۵) معنویت را این‌چنین تعریف می‌نماید: معنویت مجموعه صفات و اعمالی است که حال و شور و جاذبه‌های قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در رسیدن به خدای یگانه به طور اعجاب‌آوری پیش ببرد. این حالت درونی به واسطه زمینه سازی‌های مختلف در انسان پدید می‌آید و بسته به شدت وضعف آن، سرعت و میزان قرب الی الله پدید می‌یابد. (امام خمینی (ره) ۱۳۶۱) معنویت و اخلاق دومین توصیه مهم رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم است. ایشان تأکید دارند: «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط

زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (بیانات مقام معظم رهبری؛ بیانیه گام دوم) راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت توسط خانواده

۱. معنویت افزایی توسط رفتار عملی

۱.۱. جلب اعتماد جوان

والدین در قدم ابتدایی باید اعتماد فرزند را به خود جلب نمایند و یا به عبارت الاخری اعتمادسازی نمایند، و با لسانی لَین و عمل نیک به او بفهمانند که موفقیت او برایشان حائز اهمیت است. جوان پس از درک و باور این موضوع با آن‌ها همراه می‌شود. و این اعتمادسازی نیازمند پرورش و مهارت افزایی والدین در خویش است.

۱.۲. همراهی علم و عمل

التزام علم و عمل به این معناست که آنچه که والدین به صورت شفاهی و کلامی توصیه می‌کنند در مقام عمل نیز پایبند و ملتزم به آن باشند و در نگاهی عمیق‌تر به مسئله سعی کنیم مقدم بر گفتار، به وسیله رفتار خویش عملاً به فرزندان خود بیاموزیم، زیرا فرزندان ما بیشتر از گفتار ما از رفتار ما می‌آموزند. (وظیفه والدین در تقویت معنویت فرزندان، ۱۳۹۲/۷/۵/ خبر)

تاثیری که رفتار والدین بر فرزند می‌گذارد هیچ‌گاه گفتار نمی‌تواند بگذارد پس اگر پدر یا مادر خواستار انتقال علوم به فرزندشان هستند باید در مقام عمل خود ثابت کنند، مرتبه بالای هر علم آن است که به مقام عمل برسد.

از همین رو امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حکمت ۹۲ می‌فرماید:

«أَوْضَعُ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ» (دستی، ۱۳۸۰:

ح ۹۲) پست‌ترین مرحله علم آن است که تنها بر زبان باشد و برترین آن، آن است که در اعضا و ارکان وجود انسان آشکار گردد. اصل عامل بودن مهم‌ترین اصل در برقرار کردن رابطه با جوان است چون یکی از ابزارهای یادگیری جوان سرمشق‌گیری و الگوگیری است، افراد و

والدین بسیاری وجود دارند که درباره فضائل اخلاقی سخن فراوان می‌گویند ولی بر خلاف سخنان خود عمل می‌کنند. قرآن مجید این بیماری را که در همه قشرها دیده می‌شود تهدیدی برای ایمان انسان می‌داند و همگان را از آن برحذر می‌دارد. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ** (صف/۲) کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ باید بدانیم حتی در رابطه با ایمان هم ایمانی که به مرحله عمل نرسد فایده‌ای ندارد در حقیقت ایمان زبانی هیچ نفعی برای مومنه به آن ندارد و فقط لقلقه زبان است و با عمل است که ایمان به قلب و جان رسوخ پیدا می‌کند دو گانگی در گفتار پدر و مادر، سبب بی‌اعتمادی جوان به آموزش‌های آنان می‌شود و اثر زیان بارتر این که جوان دانستن و عمل نکردن را از پدر مادر فرا می‌گیرد و درس چند شخصیتی بودن را فرا می‌گیرد جوان بیشتر از آنچه که می‌شنود، می‌بیند زیرا به‌ویژه در مسائل اخلاقی بیش از گوش، از چشم خود استفاده می‌کند. پس باید میان دیده‌ها و شنیده‌های او هماهنگی ایجاد کرد تا آشفتگی در ذهن او به وجود نیاید (سادات، ۱۳۷۴: ۱۲۲ / ۲) همان‌طور که می‌بینیم ما در جامعه امروزی پدران و مادران تحصیل کرده بسیاری داریم که عالم به رفتار درست و غلط هستند و خواهان تربیت نسلی مؤمن می‌باشند ولی چون در مقام عمل خود ملزم به علم خود نیستند همین عامل، مانع از این انتقال معنویت می‌شود آن علمی هم که خود کسب کرده بودند به دلیل بها ندادن و عمل نکردن به آن عمر زیادی ندارد و از یاد می‌رود چه رسد به انتقال آن به فرزندان امام صادق علیه السلام فرمود: **الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا اِرْتَحَلَ** عنہ (کلینی، ۱۳۸۸ هـ ق: ۱ / ۴۴) علم همراه عمل است، پس هرکس علمی دارد باید به دانش خود عمل کند و هرکس عمل کند بر دانش او افزوده می‌شود؛ و علم همواره عمل را فریاد می‌زند؛ اگر جوابی شنید می‌ماند و در غیر این صورت از نزد صاحب خود می‌رود در محیط خانواده است که جوان باید عمل والدین به سخنان خود درستی گفتار آنها را بسنجد و در نهایت به آن‌ها اعتماد کند و مانند والدین رفتار کند فرزندان از خانواده بسیاری از زمینه‌ها و خصوصیات اخلاقی را می‌آموزند یا به ارث می‌برند و

تأثیر خانواده بر تربیت اخلاقی جوانان از دو جنبه است. یکی از جنبه وراثت که در آن بسیاری از خلق و خوی‌ها و سجایای انسانی به فرزندان منتقل می‌شود و دیگر از جنبه محیطی که بسیاری از روش‌های برخورد، فضائل و زرائل اخلاقی را فرزندان از خانواده آنگو برداری می‌کنند. (دهقانی اشکذری، ۱۳۸۹: ۱۰۴) اگر خانواده هم رفتاری توأم با علمشان نداشته باشند این علم در همان مرحله باقی مانده و به فرزندان منتقل نخواهد شد، چه بسا به خاطر تقویت نکردن آن علم به واسطه عمل نکردن به آن به مرور منکر آن بشوند. پس عمل نکردن به علم علاوه بر فراموشی منجر به انکار آن نیز خواهد شد در همین باره قرآن مجید می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّؤَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم ۱۰/۱) سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را مسخره نمودند!». این آیه به وضوح می‌گوید: گنهکاران در عاقبت، کارشان به جایی می‌رسد که آیات الهی را نیز تکذیب می‌کنند بلکه آن را به سخریه می‌گیرند. بنابراین اگر بخواهیم علم ما تبدیل به جهل نشود و در مبانی علمی خود تردید نکنیم باید به آنچه می‌دانیم جامه عمل بپوشانیم تا علم ما تبدیل به یک علم پایدار گردد. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره این‌گونه سخن می‌گوید:

انتقال فرهنگها و تمدنها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در یک جامعه و انتقالش به نسلهای پی‌درپی، به برکت خانواده انجام می‌گیرد در محیط خانواده است که اول بار همه هویت و شخصیت یک انسان بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد و این پدر و مادرند که به‌طور غیرمستقیم و بدون این‌که خود آنها تصنعی به کار ببرند، به‌طور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدسات و اینها را به نسل بعدی منتقل می‌کنند (۸۶/۸/۱۹ کانون گرم خانواده/بیانات رهبری)

از نظر ایشان، خانواده خوب و تأثیر گذار یعنی، زن و شوهری که با هم مهربان باشند، با وفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را بکنند، مصالح همدیگر را گرامی و مهم بدانند، این در درجه اول.

بعد، اولادی که در آن خانواده به وجود می‌آید، نسبت به او احساس مسئولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند؛ به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را بازدارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده‌ای اساس همه اصلاحات واقعی در یک کشور است. چون انسان‌ها در چنین خانواده‌ای خوب تربیت می‌شوند، با صفات خوب بزرگ می‌شوند. با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با احساس مسئولیت، با احساس محبت، با جرئت، جرئت تصمیم‌گیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی - با نجابت، خب وقتی مردم جامعه‌ای این خصوصیات را داشته باشد، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید. (۸۶/۸/۱۹ کانون گرم خانواده/رهبری)

بنا بر فرموده مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در مورد جوان‌ها می‌فرمایند: «آینده این انقلاب، آینده این نظام و این کشور به برکت اسلام، یک آینده بسیار روشن و درخشانی است. کسانی که باید این آینه را شکل بدهند، عمدتاً شما جوانها هستید. اولاً ایمان اسلامی را با عمل در خودتان تعمیق کنید، که این اساس کار است. ایمان هم یک چیز کتابی و ذهنی نیست، در عمل، ایمان تقویت پیدا می‌کند. انسان، خدا را در میدان مجاهدت برای خدا بهتر می‌بیند. این مجاهدت هم سنگرهای مختلفی دارد، سنگر علم و سازندگی هم از آن جمله است. با تقوا، با تضرع پیش خدای متعال، با انجام عبادات و با اجتناب از محرّمات ایمان را تقویت کنید.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با هزاران تن از دانشجویان و دانش آموزان ۷۳/۸/۱۱: <https://farsi.khamenei.ir> // <https://khl.ink/f/2731> // گاهی خانواده نیز از اصول ارزشی و اعتقادی پیروی نمی‌کند و نسبت به مسائل شرعی، پایبند نیستند؛ به همین دلیل، فرزندان، آداب دینی و واجبات را فرا نمی‌گیرند و با مشکلاتی در زمینه اخلاقی دست به گریبان خواهند شد؛ مسائلی چون: اعتیاد به سیگار و مواد مخدر، ولگردی، قمار، ارتباطات نامشروع با جنس مخالف، فحاشی، دزدی، فرار از منزل، آرایش‌ها و پوشش‌های نامناسب، چشم چرانی و متلک‌گویی، شرکت در مجالس هوس بازی و... که به

زودی به مشکلاتی روانی و اجتماعی مبدل خواهند شد و دست آخر، جوان را از ترقی و پیشرفت باز نگه می‌دارند و در جنبه معنوی نیز او را از حیطه انسانیت باز خواهند داشت (ترابی، ۱۳۹۲، نشریه حدیث زندگی)

پس والدین باید در درجه اول ایمان خود را به وسیله عمل ترفیع درجه دهند و در حقیقت ایمان را از زبان به جان و دل برسانند و بعد به تربیت جوانان سالم بپردازند. چرا که هر حرفی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. این سخن به کرات برای همگان ثابت شده است.

۱.۳. درک جوانان و نیکی به آنان

برخی از والدین از توانایی خوبی در درک جوانان خود بهره‌مند هستند. و این یک ویژگی مثبت برای تأثیر بر فرزندان خود می‌باشد. واضح است که هراندازه سنخیت روحی و اخلاقی میان والدین و فرزندان بیشتر باشد میزان اطاعت‌پذیری نیز افزایش می‌یابد، و گامی در جهت رشد و درک متقابل آنان نیز محسوب می‌شود. فرزندان نیز متقابلاً با پاسخ مثبت دادن به تلاش‌های صادقانه والدین برای ارتباط مؤثر و کارآمد، قادرند تصویر مطلوبی از خویششان در باور والدین بیافرینند و حاصل آن رشد روز افزون، درک متقابل نسل‌ها خواهد بود.

والدینی که هوشمندانه با تأمین به موقع خواسته‌های فرزندان، این قبیل تعهدات را به خوبی انجام می‌دهند، در چشم و دل فرزندان خود، اعتبار بالایی را کسب می‌کنند که یکی از نشانه‌های آن، جلب اعتماد فرزندان به خویش است که موجب مقبولیت والدین در نزد جوان شده و پذیرش سخنان آن‌ها سهل‌الحصول می‌شود. گام اول در این راه شناخت اصولی و علمی ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای اساسی جوانان است. بی‌تردید شناخت، همدلی می‌آفریند و برای اهتمام به این امر خطیر باید به مشارکت فرهنگی و فراگیر اقدام کرد و این جز با همدلی، هم‌زبانی و همراهی با جوانان میسر نخواهد بود.

اسلام که جامع‌ترین و غنی‌ترین مکتب آسمانی و منبع پویاترین و پایاترین معارف اسلامی است، بیشترین توصیه‌ها را در هدایت و تربیت نسل جوان و رسیدگی و ساماندهی

امور آنان دارد. پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند: «اوصیکم بالشبان خیراً فانهم ارقُ افئدة»؛ یعنی به شما توصیه می‌کنم که به جوانان توجه و عنایت خاص نمایید و در مورد آنان به بهترین وجه رفتار کنید، چرا که آنان قلب‌هایی لطیف و پرفضیلت دارند (. قمی، ۱۳۷۳: ۱۷۶/۲) یکی از مهم‌ترین ارکان تربیت همانطور که بیان شد خانواده می‌باشد خانواده بخش عظیمی از سعادت یا شقاوت جوانان و نوجوانان مربوط به خانواده‌های آنان است. لذا باید تلاش شود با بالا بردن سطح آگاهی و آشنایی با رموز و ویژگی‌های شخصیت جوانان، مشکلات و اختلافات احتمالی را به حداقل رساند. البته بسیاری از تعارضات مربوط به دوران نوجوانی است و کم‌کم با سپری شدن دوران بلوغ و استقرار آن در بدن، رفتارها و اندیشه‌های نوجوانان متعادل‌تر شده و دل‌نگرانی‌های والدین هم کمتر می‌شود. خانواده به لحاظ اهمیت خاصی که در این دوران حساس دارد، بهتر است موقعیت نوجوانش را واقع بینانه درک نماید و به آن ارجح نهد و شخصیت لازمه بلوغ را که از نظر کمی و کیفی با کودک متفاوت است به او ارائه دهد، از نوجوانان نیز باید خواسته شود با خویشتن‌داری و رعایت احترام، روابط سالمی را با خانواده بنا نهند. (شرفی، ۲۱۹/۱۳۹۴) نقش خانواده در این بین، بسیار پررنگ است. خانواده‌ای که در عین اقتدار، خشک و مستبد است و رابطه میان آن‌ها انعطاف‌پذیر نیست. اگرچه فرزندان لایق و مسئول تربیت نماید اما تمایل به کناره‌گیری از اجتماع در آنان موج می‌زند و نیز فاقد انگیزه پیشرفت بالا هستند. دختران در این خانواده‌ها کاملاً وابسته به والدین تربیت می‌شوند و نیازهای حقیقی آن‌ها برآورده نمی‌شود و به اختلالاتی چون افسردگی، انزوای عاطفی و خلأ عاطفی و هیجانات افراطی مبتلا می‌گردند که این خلأ، گاهی به ارتباطات نامشروع ناشی از سرمایه‌گذاری عاطفی در خارج از حوزه‌های عرف و شرع پسند، منجر خواهد شد و در نتیجه، به سوی ولنگاری و بی‌عفتی می‌روند. دسته‌ای دیگر از خانواده‌ها که مراقبت کمی نسبت به فرزندان خود دارند و در آن، محوریت با فرزند است، پدر و مادر نسبت به فرزندان آسان گیرند و فرزندان به اصطلاح «هرکاری دلشان بخواهد می‌کنند». این بچه‌ها گرچه سرزنده‌تر و خوش‌خلق‌تر از جوانان گروه قبل به نظر می‌رسند اما

به لحاظ خامی وعدم انتقال و فراگیری تجارب از والدین به سادگی در خارج از محیط خانواده به کنترل دیگران درخواهند آمد و به ورطه نیازهای کاذب، فرو خواهند افتاد. این والدین به آن‌ها مسئولیت‌پذیری را یاد نداده‌اند و فرزندان این خانواده، لابلالی و بی‌توجه به وظایف اجتماعی شان بار خواهند آمد. پسران و دختران این خانواده‌ها هیچ کدام، الگوی مناسبی برای رفتار خود ندارند و فاقد تکیه گاه مناسب در داخل خانواده هستند؛ در نتیجه، تکیه گاه به خارج از نهاد خانواده سوق داده می‌شود که این، خود، زمینه ساز بروز آشنایی با بزهکاری‌ها و انحرافات است. (ترابی، نشریه حدیث زندگی) برای مثال یکی از این نیازها دوستی و رفاقت است: دوستی و رفاقت پاسخ به یک نیاز فطری است و در پرتو دوستی‌ها و محبت‌ها شخصیت انسان به نقطه کمال یا سقوط می‌رسد. لذا باید در انتخاب دوست دقت لازم را کرد.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ» (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱/ح ۵۱۸/۱۱۳۵) آدمی بر دین (روش) دوست خود است. پس هر یک از شما باید بنگرد که چه کسی را به دوستی می‌گزیند.

و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرموده‌اند: «الْصَّاحِبُ كَالرُّفْعَةِ فِي الثَّوْبِ فَاتَّخِذْهُ مُشَاكِلًا» (آمدی تمیمی، ۱۹۹۰ م: ۳۷۹/۱) هم‌نشین و دوست، همانند وصله در لباس است، پس آن را هم‌شکل برگزین همچونین آن حضرت فرموده‌اند:

«(آمدی تمیمی، ۱۹۹۰ م: ح ۸۹۲۳) «مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الْإِضْطِرَارُ إِلَى مُرَافَقَةِ الْأَشْرَارِ هَرَكَةَ بِيْ أَرْمُودِن، بَرَادِرِي بَرَكِيرِد، بِيْجَارَكِي أَوْ رَا بَه رِفَاقَتِ بَا بَدَان، نَاكَزِير مِي كِنْد. وَكَرَابِي وَ نُوْجُوْبِي كَه از ويژگيهاي جوان است. از نيازهاي او به شمار مي‌رود: جوان دوست دارد خود را نشان دهد و مورد توجه ديگران واقع شود. والدين بايد اين واقعيّت را بپذيرند، در حد امکان به خواسته‌هاي معقول جوان پاسخ مثبت دهند و از سختگيري و نه گفتن‌هاي غير ضروري، كه به كدورت جوان مي‌انجامد، بپرهيزند. علي عليه السلام همراه قنبر به بازار رفت و از

فروشنده‌ای پرسید: آیا دو لباس به قیمت پنج درهم دارید؟ مرد پاسخ داد: آری، ای امیرمومنان. با این پاسخ حضرت دریافت که فروشنده وی را شناخته است. پس آن جا را ترک گفت، نزد دیگری رفت و همین پرسش را تکرار کرد. فروشنده دوم جواب داد: آری، دو لباس دارم؛ یکی بهتر است و سه درهم می‌ارزد و دیگری دو درهم. حضرت آن‌ها را خرید و لباس سه درهمی را به قنبر داد.

قنبر گفت: شما به آن سزاوارترید: شما بالای منبر می‌روید و خطبه می‌خوانید.. حضرت فرمود: «انت شاب و لک شره الشباب» تو جوانی و میل جوانی داری. (حرانی، ۶۴/۱۳۷۶) من از پروردگارم شرم دارم و خود را بر تو ترجیح می‌دهم طبق این روایت علی علیه السلام به خاطر جوانی قنبر و میل جوان به نوپوشی (به اصطلاح امروز «شیک پوشی») لباس گرانتر را به او داد. (فلسفی، ۱۳۸۸: ۱/۱۳۶)

از دیگر نیازهای جوان احترام است: جوان برای شخصیت خود اهمیت بسیار قائل است، هر نوع کم توجهی را بی‌احترامی به شخصیت خود می‌داند. و چه بسا واکنش نشان می‌دهد. احترام به شخصیت جوان در تربیت او بسیار مؤثر است. اگر جوان خود را بی‌مقدار و حقیر بشمارد، احساس کند در نظر دیگران اعتبار و جایگاهی ندارد و نزد دیگران از احترام و ارزش برخوردار نیست، تلاش در جهت رشد و تربیت خود را بی‌ثمر می‌داند و چه بسا رفتارهای نابهنجار بروز می‌دهد. امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» (مجلسی، ۱۴۵۷: ۳۶۵/۷۵) از شر کسی که خود را خوار می‌داند، ایمن مباش.

مشورت کردن با جوان نشان دهنده احترام به اوست؛ زیرا سبب می‌شود بیشتر برای خود ارزش قائل شود، بیشتر احساس مسوولیت کند و در نتیجه در راه تربیت خود بیشتر بکوشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ». (فلسفی، ج ۱، ص ۴۴۱) فرزندم آدمی در فت سال اول آقا و سرور والدین است، در هفت سال دوم بنده فرمانبردار و در هفت سال سوم وزیر و مشاور آنان شمرده می‌شود، همچنین نیاز عمده جوانان، هویت است؛ بنا به فرموده مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «جوان باید هویت و

هدف خودش را بشناسد: باید بداند کیست و برای چه می‌خواهد تلاش و کار کند. دشمن می‌خواهد هویت جوان ایرانی را از او بگیرد؛ اهداف را از بین ببرد؛ افقها را تیره کند؛ به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی؛ پیش من بیا تا تو را زیر بال بگیرم. معلوم است؛ کشور ثروتمند ایران و منطقه بسیار مهم و راهبردی ما و تأثیرات فراوانی که این ملت از همه سو می‌تواند بگذارد؛ همه از طریق تحقیر شخصیت جوانها، در مشت دشمن می‌آید. امروز برنامه دشمن نسبت به شما خیلی باید بیدار باشید». مهم‌ترین نیاز جوان از منظر رهبر معظم انقلاب به جوانها این است؛ همچنین در متون دینی به شدت توصیه شده است از افراط و تفریط در محبت به فرزندان خود بپرهیزند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «شوالباء من دعاه البرّ إلى الافراط» (یعقوبی/۱۳۸۹/۲/ص ۳۲۰): بدترین پدران، کسانی هستند که نیکی به فرزندان، آنان را به افراط بکشاند. زیرا محبت به فرزند زمانی مفید خواهد بود که از حد اعتدال خارج نگردد. محبتی باعث رشد و شکوفایی فرزندان می‌شود که معتدل و راستین و متناسب با سن و سال، وضع و حال فرزندان باشد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی ۹۵/۲/۱، <https://farsi.khamenei.ir>)

بنابراین درک جوانان و احترام به شخصیت آنها باعث جلب اعتماد می‌شود و پس از این که آنها مسئولیت‌پذیر شدند، راه ارتقاء و تقویت معنویت جوانان توسط خانواده هموار خواهد شد.

۱.۴. تشویق جوانان به معنویت

از دیر باز، «تشویق» یکی از اصلی‌ترین روش‌هایی است که فرد را به انجام کاری ترغیب می‌نماید و به عنوان یکی از محورهای موضوعی و همچنین در تقویت معنویت جوانان مؤثر است. جوان باید بداند که کارهایی که برای رضایت الهی انجام می‌دهد ذخیره شده، و در آخرت پاداش الهی نصیب او می‌گردد. خداوند باری تعالی در سوره بقره می‌فرماید: همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز برپا داشته و زکات پرداخته‌اند،

پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره/۲۷۷) بنابر ادله موجود خانواده باید در ابتدا جوانان را با عمل خویش به معنویت تشویق نموده و بعد از جلب اعتماد او و همراه کردن او با خویش، معنویت او را تقویت و افزایش دهند.

۱.۵. شکوفاسازی گرایش جوان به معنویت

با توجه به این که دل جوان آمادگی زیادی برای پذیرش معنویت دارد و اگر رها شود دشمنان که کمین نموده‌اند آن را به راحتی تصرف می‌کنند، لذا شایسته است که جوانان را به سمت معنویت سوق داده تا استعدادهای آن‌ها شکوفا شود. مقام معظم رهبری حفظه الله در مورد روش جذب جوان‌ها چنین می‌فرماید: «راه جذب جوانها "تصرف دل جوان" است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویت یکی از آن رازهای بزرگ الهی است. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش میکنم، حدّاکثر اندکی تأثر پیدا میکنم، [اما] همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب می‌شود، از این رو به آن رو می‌شود. دل جوان حقیقت‌پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّذِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم/۳۰) دل جوان با نصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی اُنس پیدا می‌کند، زود اُنس پیدا می‌کند، زود دل‌باخته و دل‌بسته می‌شود؛ جاذبه جوانها اینها است. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفانهای تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب می‌شود و می‌آید. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۳۱/۵/۹۵: <https://farsi.khamenei.ir> / <https://khl.ink/f/>)

پس در ابتدا برای این که جوانی دعوت به معنویت شود باید دل او تصرف شده و گام به گام به تقویت معنویت در او جلو رفت. جوانان و به‌طور کلی همه انسان‌ها به صورت فطری و درونی به امور معنوی و ارزش‌های دینی گرایش دارند ولی باید موانع را از راه برداشت تا هدف

سهل الوصول شود. رسول اکرم ﷺ به بعضی از کودکان نظر کرده و فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از روش پدرانشان! سؤال شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آن‌ها؟ حضرت فرمود: نه، از پدران مسلمانشان که چیزی از فرائض دینی را به آن‌ها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندان، هم پی فراگیری بروند، آن‌ها را منع می‌کنند و تنها از این خشنودند که آن‌ها درآمد مالی داشته باشند هرچند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند! ﴿الْأَطْفَالُ فَقَالَ وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بِرَاءٌ﴾ (شعیری: ۱۰۶) باتوجه به فرمایش حضرت دانسته می‌شود که جوانان ما به‌طور فطری به این موهبت الهی گرایش دارند اما متأسفانه این والدین‌ها هستند که گاهی با وجود زمینه‌های رشد جوان مانع او می‌شوند.

والدین باید بدانند علاوه بر این که سراسر ثانیه‌های زندگی و عمرانسان مهم و ارزشمند است اما جوانی، فرصت زودگذر و محدودی است که گنجینه‌ای در حدود یک صد هزار ساعت از زمان عمر آدمی را در خود دارد، تسلط بر این سرمایه گران بها و گذرا، تلاشو تدبیر شما را می‌طلبد. (پور امینی، ۱۳۸۸: ۲۶)

پس اهمیت دادن شما در این دوران حساس به ارزش‌های دینی که در وجود جوان به‌طور فطری نهفته است بسیار مورد تأکید است. باید در این دوره آموزه‌های دینی را به زیباترین وجه به جوان آموخت چنان‌که اهل بیت علیهم السلام این دوره را دوره فراگیری حلال و حرام دانسته‌اند: (عارف صداقت، ۱۳۸۷: ۵۹)

و حضرت علی علیه السلام به شیعیانش سفارش کرده که: «اغتنم خمساً قبلَ خمس، شبابتک، قبلَ هَرمک و...» (راوندی: ۱۱۳) "پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمر: جوانی را یش از پیری" در روایتی دیگر ایشان به امام حسن علیه السلام فرمودند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ» (دشتی، ۱۳۸۰/۵۲۲/نامه ۳۱).... "دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده

شود می‌پذیرد؛ از این رو من پیش از آن که دلت سخت و فکرت مشغول شود به تأدیب و تربیت پرداختم. باید والدین سعی کنند تا در این زمین آماده، تخم اصلاح شده بپاشند، زیرا جوان زود فرا می‌گیرد و دیر فراموش می‌کند و زود به سوی خوبی‌ها تمایل پیدا می‌کند (عارف صداقت، ۱۳۸۷: ۴۳). در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: شنیدم که امام علیه السلام از شخصی به نام (احوال) از اوضاع بصره می‌پرسد که گرایش مردم به ولایت و اهل بیت چگونه است؟ (احوال) جواب می‌دهد که اندک است، اگرچه کارهایی شده ولی کافی نیست و ناچیز است. آن‌گاه امام صادق علیه السلام به وی می‌فرماید: هان! توجهت را بر جوانان متمرکز کن که آن‌ها زودتر به سوی خوبی‌ها می‌گرایند. «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْأَخْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ أَتَيْتَ الْبَصْرَةَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ قَالَ وَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْأَخْدَاتِ فَأَتَتْهُمُ أُسْرَعُ إِلَى كُلِّ حَيْرٍ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۹۳) در صدر اسلام نیز جوانان در پذیرش دین حق پیشگام بودند، در حالی که برخی از پیران در معرض نفرین و غضب الهی قرار گرفتند (عارف صداقت، ۱۳۸۷: ۴۳) پس از این که با علم و عمل، درک جوانان، و تشویق آن‌ها به معنویت، جوان در خود احساس شکوفایی نموده و تلاش خانواده برای تقویت فرهنگ معنویت وی مؤثر واقع خواهد شد.

۲. معنویت افزایی توسط رابطه معرفتی

آموزش زندگی توأم با معنویت بخشی از وظایف والدین نسبت به فرزندان محسوب می‌شود. چنین آموزشی باید به شیوه‌ای جذاب، روان و قابل فهم صورت پذیرد تا مورد اقبال فرزندان واقع شود. در این مهارت افزایی، والدین باید با صبر و حوصله تمایل درونی و جدی جوان را به سمت معنویت هدایت کنند. در این میان والدین باید جوانان را درک نموده تا بتوان با آن‌ها ارتباط گرفته و تاثیرگذار باشند.

۱.۲. تقویت فرهنگ معنویت توسط خانواده

یکی از مهارت‌هایی که در مسیر تقویت معنویت جوانان مؤثر است، اصل همانندسازی است. فرزندان در صورت مقبولیت شخصیت والدین، خود را شبیه آن‌ها می‌نمایند. والدینی که بتوانند برای فرزندان خود الگوی مناسبی باشند و معنویت را چه در بُعد گفتار و چه در بُعد رفتار در خانواده ارائه دهند، فرزندان در صورت اعتماد به والدین تلاش خواهند کرد تا از طریق همانندسازی با آنان زمینه‌های معنویت‌شان را نیز با والدین تطبیق دهند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمانی که از جانب خداوند مامور به تبلیغ دین اسلام شد قبل از پرداختن و رسیدگی به جامعه مامور به تبلیغ دین در خانواده شد و آن را سر منشا تبلیغ خویش قرار داد و اولین کسانی هم که به وی ایمان آوردند خانواده او بودند. پروردگار در قرآن به بندگان خویش این‌گونه هشدار داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم ۶/۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید. چرا که فرزندان ما در زمره (اهل) ما هستند و اگر پدری به فرزند خود از آتش دنیا بیمناک است رواتر است که بر آواز آتش آخرت بیمناک‌تر باشد و این نیست جز آنکه شیوه‌های پسندیده در پرورش ابرگزینند. (بخشیان ۱۳۸۱/۱۴۷) در حقیقت فرزندپروری یکی از مقوله‌های اساسی زندگی بشری می‌باشد که این وظیفه خطیر در وهله اول بر عهده والدین می‌باشد که بی‌مبالاتی نسبت به تربیت معنوی فرزندان علاوه بر دنیای والدین گریبان گیر عالم آخرت آن‌ها نیز می‌باشد زیرا پرورش یک فرزند تنها پرورش یک شخص نیست بلکه پرورش یک نسل بعد از خود است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا يَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَحَدٌ بِدَنْبٍ أَعْظَمَ مِنْ جَهَالَتِهِ أَهْلِهِ وَ أَوْلَادِهِ» (کاشانی، ۷۳/۳) هیچ کس با گناهی که بزرگ‌تر از بی‌مبالاتی در قبال جهالت و بی‌ادبی خانواده و فرزندان خدا را ملاقت ننموده است. این والدین هستند که در مقابل اعمال ناشایست فرزندان مسئولند و باید تمام تلاش خود را برای تربیت او به کار گیرند. ناگفته نماند که مادران نسبت به پدران مسئولیت بیشتری دارند زیرا فرزند بیشتر از آن که در کنار پدر باشد وقت خود را در کنار مادر سپری می‌کند او را

می‌بیند و از او بیشتر از پدر الگو می‌گیرد البته نباید از تأثیر لقمه‌ای که پدر بر سر سفره زن و فرزندان می‌آورد، غافل شد. بنا به فرموده مقام معظم رهبری علیه السلام «مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالائی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می‌کنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان. در سالروز ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها، ۱۳۹۲/۲/۱۱، <https://khl.ink/f/https://farsi.khamenei.ir/۲۲۴۴۳/>)

۲.۲. بیان بایدهای ارزشی شریعت محور

لازم است که بایدهای ارزشی شریعت محور برای جوانان ذکر گردیده و محور زندگی انسان‌ها قرار گیرد. شاید قدم اول والدین برای انتقال فرهنگ معنویت به جوانان بیان معیارهای رفتاری باشد و جوان را با رفتارهای درست و غلط آشنا نمایند، همچنین که در سیره معصومین علیهم السلام مشاهده میکنیم، آن بزرگواران بیان حلال و حرام را نخستین اقدام تربیتی خود قرار داده بودند. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۴) یکی از بایدهای ارزشی و نقطه آغازین شریعت اسلامی که خداوند هم با آن شروع به بشارت و انذار مردم نمود، فرستادن پیامبران و امامان علیهم السلام بوده است. و اینچنین است که گام بعدی بعد از توحید توجه به فرمایشات و تقریر پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) است. زیرا اگر همین پیامبر (صلوات الله علیه) و معصومین علیهم السلام نبودند ما آشنایی کاملی به این معیارهای رفتاری حلال و حرام نداشتیم برای همین است که خداوند متعال در قرآن چنین بیان کرده است: ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت‌تر خواهد بود. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿ (نسا/۵۹)

این آیه به وظیفه مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می‌کند. با وجود سه مرجع «خدا»، «پیامبر» و «اولی الامر» هرگز مردم در بن بست قرار نمی‌گیرند. آمدن این سه مرجع برای اطاعت، با توحید قرآنی منافات ندارد، چون اطاعت از پیامبر و اولی الامر نیز، شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است، نه در عرض آن و به فرمان خداوند اطاعت از این دو لازم است (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ۹۳/۲) نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی بشری و تاریخ زندگانی معصومین و الگوگیری مردم از آن‌ها نمایان می‌کند تمام تلاش و کوشش فرستادگان الهی رسیدن به هدف والای آفرینش بوده. شکی نیست که محقق شدن یک جامعه آرمانی بدون وجود آن رهبران امکان پذیر نبود. در این میان خانواده باید با تقویت و تربیت جوانان انقلابی توسط بیان بایدهای ارزشی محور، آن‌ها را سمت و سوی معنویت سوق داده و هدفشان پرورش یک راهبر باشد. تا این جوانان هر کدام زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف شوند.

۲.۲-۱. آشنایی جوانان با توحید

از جمله بایدهایی که جوان حول محور شریعت باید به آن آگاهی پیدا کند آگاهی به خود است که تحت عنوان خودشناسی از آن یاد می‌شود. معنی خودشناسی این است که انسان جایگاه واقعی خویش را در عالم وجود درک کند، بداند که کیست و کسی که خود را بشناسد یقیناً خدایش را نیز بهتر خواهد شناخت، و کسی که خدایش را بشناسد در برابر آن قدرت نا متنهاهی سر تعظیم فرو می‌آورد، و خود را در برابر جهان هستی و بندگان خدا بی تفاوت نمی‌داند و مشکلات و سختی‌های دیگران را مشکلات و گرفتاری خود می‌داند همه ارزش‌ها برایش مهم بوده و از ضد ارزش‌ها دوری می‌کند چرا که به نهایت معرفت یعنی خودشناسی رسیده است (ابن طاووس، ۱۴۲۰: ۱۴۱) به همین خاطر است که امام علی علیه السلام فرموده‌اند: "خودشناسی سودمندترین دانش هاست" «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ (آمدی و

همکاران، ۱۴۱۰ق/ح ۹۸۶۵) «شناخت معایب و گناهان در کنار شناخت محاسن و نیکوکاری‌ها دارای ابعاد اعتقادی عبادی اخلاقی و رفتاری می‌باشد و انسان باید همه این امور را با دقت مورد بررسی قرار دهد و خویشتن را آنگونه که هست بشناسد و برای پروردن خود تلاش نماید. کسی که به شناخت خود دست یابد به بزرگ‌ترین رستگاری و پیروزی رسیده. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۹۷)

همه ادیان در این بخش از جهان‌بینی مشترکند؛ ادیان قدیم، ادیان ابراهیمی، ادیان پیش از ادیان ابراهیمی؛ حتی همین ادیان شرک آلود هندی فعلی. اگر کسی وداها را نگاه کند، عرفان توحیدی خالصی در کلمات وداها موج میزند که نشان‌دهنده این است که سرمنشأ، سرمنشأ شفاف و زلالی بوده است. بنابراین، توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3039>) یکی از علل دین‌گریزی برخی جوانان و نوجوانان عدم آگاهی به مسائل دینی است. زیرا انسان طبیعتاً هر چه را نشناسد به سویی نمی‌رود و افکار و احساسات و حواس خود را به سوی آن معطوف نمی‌دارد. اما شناخت و آگاهی از زیبایی‌ها به‌ویژه اطلاع از منافع آن سریعاً انسان نفع طلب را به آن جذب کرده و آن را در نزد شخص دوست داشتنی می‌کند. برای همین اگر جوان با آثار و برکات و احکام و معارف دین آشنا شود فاصله آنان با حقایق دین کم خواهد شد. (پاک‌نیا، ۱۴۲۲ هـ: ۸ و ۹) لذا شایسته است جوانان را با بیان مسائل دینی، با توحید آشنا نمود و این امر باید توسط خانواده صورت پذیرد. سراسر آموزه‌های قرآن حول محور این محور اصلی می‌چرخد و اسلام همچون پیکری است که اعضا و جوارح گوناگون دارد اما روحش توحید است از این رو اهمیت آشنایی جوانان با توحید روشن می‌گردد. در قرآن کریم آیات زیادی به توحید اشاره کرده‌اند مانند: "کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از روی میل و رغبت یا بی‌میلی و کراهت و نیز سایه‌هایشان بامداد و شامگاه برای خدا سجده می‌کنند. ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ (رعد/۱۵) خانواده نخستین و مهم‌ترین منشأ تعالیم الهی است. محیط خانه محیط مساعدی است که والدین فرصت را مغتنم شمرده تا تعلیمات لازم را به فرزندان آموزش دهند که در این رابطه پیامبر (صلوات الله علیه) فرمودند: (خداوند رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را در راه نیکی یاری نماید. «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَوَدَّهٗ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ»)

والدین باید توجه داشته باشند که فرزند را با عبادت و نماز که ساده‌ترین پیوند انسان و خالق است انس دهد. از آنجاکه فرصت جوانی برای آموزش اندک است، لازم است که در آموزش جوانان اموری را که دارای اولویت بیشتری هستند آموزش داد. امام علی علیه السلام در این رابطه فرمودند: سزاوارترین چیزها برای آموزش جوانان چیزهایی هستند که در سنین مردانگی به آن‌ها نیاز پیدا می‌کنند. «أُولَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْيَاءِ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالًا إِحْتَاجُوا إِلَيْهَا» (ابن ابی الحدید: ۳۳۳/۲۰) و زبانی که باید در آموزش مفاهیم توحیدی به جوانان در همه ابعادش به کار رود زبان موعظه است خداوند متعال در قرآن میفرماید: "هنگامی که لقمان به فرزندش درحالی که او را موعظه میکرد گفت: ای پسرم چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک ظلم بسیار عظیمی است. ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان/۱۳) لقمان لباس وعظ را بر سراسر اندام تعلیم و تربیت فرزندش در بعدهای اصول اعتقادی توحیدی پوشاند. (پور علی فرد، ۱۳۷۹: ۱، ۸۷) آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی در مورد بیان ارزش توحید فرمودند: «در دعوت انبیا نخستین شعار، همان نغمه توحید است که حساس‌ترین و اساسی‌ترین نقطه است. حال پیروان انبیا از چه راهی می‌خواهند وارد شوند؟ بهتر و قاطع‌تر و نتیجه بخش‌تر از آن نقطه‌ای که انبیا از آن جا شروع کردند؟ ما چرا برای متدین کردن جامعه و مردم خود از آنجایی که انبیا شروع کردند شروع نمی‌کنیم؟ ما باید توحید را مطرح کنیم همان توحیدی که انبیا مطرح کردند.» چرا که شهوات و غرور جوانی، چشم دل انسان را می‌پوشانند و مانع از دیدن حقیقت می‌شوند. از این رو روایت شده است که جوان خدا پرست و مؤمن زیر سایه رحمت خداوند قرار خواهد داشت و

خداوند نیز، عنایت ویژه به او دارد (عارف صداقت، ۱۳۸۷: ۸۵). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «سَبَعَةُ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۹ق: ۵ / ۱۹۹) "در روزی که هیچ سایه‌ای نیست جز سایه رحمت الهی، هفت کس را خداوند در زیر سایه رحمتش قرار می‌دهد و آنان عبارت‌اند از پیشوای دادگر و جوانی که در پرستش خداوند عزو جل نشو و نمو کرده باشد" (بیانات مقام معظم رهبری، ۵۳/۷/۱۴) دین‌داری و مؤمن بودن بدین جهت است که در جوانی اهمیت فراوان دارد. پس یکی از راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت توسط خانواده، بیان ارزش‌های معنوی برای جوانان است، تا جوان پس از فراگیری معنویت، تقویت شود.

۲.۲- بیان آثار دنیوی معنویت

با بیان کردن آثار دنیوی معنویت به جوانان آنان خود به سمت دین ترغیب خواهند شد. آثار عبارتند از:

۱. آرامش: جوانان و به‌طور کلی همه انسان‌ها در دنیای پراز فراز و نشیب امروزی به دنبال آرامش هستند و برای به‌دست آوردن آن از هر ابزاری استفاده می‌کنند که اکثراً هم بدان دست پیدا نمی‌کنند. در این که ایمان مایه آرامش آدمی است آیات و روایات فراوان در دست است از جمله: اوست که آرامش را به دل‌های مؤمنان نازل کرد.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ...﴾. (فتح ۴)

۲. پشتیبانی الهی: از بشارت‌های آشکار الهی است که اهل ایمان در حمایت و پشتیبانی الهی‌اند و خداوند آنان را در سختی و دشواری یاری می‌دهد. همانا ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، هم در زندگی دنیا و هم روزی که گواهان (برای گواهی دادن) به پا می‌خیزند یاری می‌کنیم. ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ (غافر/۱۳) چشم‌دواری: چشم داشتن به رحمت پروردگار مایه امیدواری و دوری از یأس است. حقّ این است که جز گروه کافران، از رحمت خداوندی مأیوس نمی‌شوند. ﴿إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف، ۸۷) در دانش امروزی هم به اثبات رسیده که

اهل ایمان کمتر به یأس و افسردگی دچار می‌شود. ۴) جلب عنایت الهی: خداوند به مومنان عنایتی ویژه دارد و دعای آنان را مستجاب می‌کند این حقیقت هم در قرآن و هم در روایات به صراحت آمده است. (و دعای) کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش بر آنان می‌افزاید و برای کافران عذابی شدید است. ﴿وَّيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ (شوری، ۲۶). عزت: هرچند که دریافتن این حقیقت بر بی‌ایمانان دشوار است، اما عزت و سربلندی راستین از آن خداوند رسول و مومنان است. درحالی که عزت و اقتدار مخصوص خدا و پیامبرش و مؤمنان است. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون/ ۸) ۶). غیرت و جوان مردی: در قرآن ذکر شده است که: و (بندگان خاص خدا) کسانی هستند که با خداوند، خدای دیگری را نمی‌خوانند و انسانی که خداوند (خونش را) حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند، و زنانمی‌کنند «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ» (فرقان ۶۸) از پاره از روایات نیز بر می‌آید که غیرت مندی و دوری از بی‌بند و باری از ایمان سرچشمه گیرد. (پاینده، ۱/ ۴۳۳) ۷). آرامش اجتماعی: ایمان مایه پایبندی انسان به ضوابط اخلاقی و احکام عملی است و مسلمانان از تعدی به حقوق یکدیگر می‌پرهیزند و بدین سان ایمان سبب می‌شود جامعه اسلامی هم پیوسته در آرامش و آسایش باشد. مؤمن در رفتار و کردار و گفتار خویش می‌کوشد تا به دیگران آسیب نرساند و بر کسی ستم نکند. رفتار او به گونه‌ای است که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: مؤمن گویی لجام بر دهان دارد. «لَإِنَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ مُلْجَمٌ» (خصال، ۱۳۶۲/ ج ۲/ ص ۲۲۹) ۸) برکت الهی: بیان برکت‌های الهی برای جوانان، می‌تواند در تقویت معنویت جوانان مؤثر واقع شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای) برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف/ ۹۶) خداوند در این آیه بیان می‌دارد که چنانچه مردم، تقوا پیشه نمایند بیش از این که در آسمان‌ها و زمین موجود است بهره می‌بردند

و رحمت بیشتری بر آن‌ها نازل می‌شود. شایسته است که جوانان با امثال این آیات آشنا شده و به وعده‌های الهی امیدوار شوند و توسط همین وعده‌ها تشویق به تقوای پیشه کردن شوند. (۹) برادری و محبت: ایمان مایه برادری و محبت بین مومنان است. این حقیقت را قرآن این چنین بیان می‌کند: همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند. «أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (حجرات/ ۱۰) (۱۰) خلافت و حکومت الهی: از وعده‌های الهی به مومنان، حکومت یافتن در زمین است. با بیان این گونه شاهد مثال‌ها و رساندن وعده حتمی خداوند بگوش جوانان، و وعده خوار شدن کافران، معنویت جوانان تقویت می‌شود. خداوند باری تعالی در سوره نور می‌فرماید: هرگز گمان مبر که کفار، ما را در زمین عاجز و درمانده می‌کنند. جایگاه آنان آتش است و به راستی که بدسرانجامی است ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَ لَيْسَ الْمَصِيرُ﴾ (نور/ ۵۷) پس از بیان امثال این روایات برای جوانان، توسط خانواده، بنیاد فکری جوان پرورش و معنویت آن‌ها تقویت می‌گردد.

۲.۲ - ۳. توجه به پاداش الهی

آرزوی همه انسان‌ها جاودانگی است اما آن جاودانگی که همراه آسایش و سعادت باشد. پس انسان‌ها می‌کوشند تا با تقوا پیشه نمودن بهترین توشه را برای خود فراهم آورند. و کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده بده که برایشان باغهایی است که نهرها از پای (درختان) آن جاری است، هرگاه میوه‌ای از آن (باغها) به آنان روزی شود، گویند: این همان است که قبلاً نیز روزی ما بوده، درحالی که همانند آن نعمت‌ها به ایشان داده شده است (نه خود آن‌ها) و برای آنان در بهشت همسرانی پاک و پاکیزه است و در آن جا جاودانه‌اند. ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره/ ۲۵) و با بشارت دادن این نوع آیات به جوانان در تقویت فرهنگ معنویت جوان تلاش شود. البته لازم به ذکر است که در کنار بشارت حتماً اندازها نیز بیان شود، زیرا که صرفاً بیان بشارت‌ها، آسیب‌هایی را به دنبال دارد، کما این که در قرآن کلمه بشیر و نذیر

کنار هم آمده است، و این نشان دهنده این است که این دو کلمه همراه هم باید تبیین گردد. آیات «مربوط به قیامت خیلی تکان دهنده است. من پیشنهاد میکنم هر کدام به تنهایی آیات قیامت را مرور کنیم؛ چون به آن احتیاج داریم. این دیگر از چیزهایی نیست که انسان بتواند آن را ثبت کند و آمار بدهد. صدها آیه در قرآن درباره قیامت وجود دارد؛ هم بشارت‌های قیامت هست، هم تهدیدهای آن؛ هر دو تکان دهنده است. بشارت‌های قرآن هم تکان دهنده و جذاب و شوق‌آفرین است این آیه شریفه برای من همیشه جالب بوده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ﴾ (طور/۲۱)

و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان، در ایمان از آنان پیروی کردند ما ذریه آنان را به ایشان ملحق نموده و از پاداش عملشان هیچ نکاهیم. (آری) هر کس در گرو کاری است که کسب کرده است.. کسانی که توانسته‌اند ایمان ذریه خود را حفظ کنند -ولو عمل ذریه، آن چنان برجسته نیست - ما در درجات عالی معنوی، ذریه را به آن‌ها ملحق میکنیم. در روایت دارد: «لتقرّ عیونهم»؛ تا چشم‌هایشان روشن شود. مؤمن که شما باشید، اگر توانستید بچه خود را مؤمن بار بیاورید، خدای متعال کمبودهای این بچه را در قیامت، در بهشت و در عرصات دشواری که در برابر شماست، جبران می‌کند؛ او را به شما میرساند تا چشم و دل شما روشن شود. خدا برای یک مؤمن خیلی ارزش قائل است. (سخنرانی رهبری در دیدار مسئولان نظام؛ ۸۳/۰۸/۰۶: <https://khl.ink/f/3256//farsi.khamenei.ir>)

۲.۲-۴. بیان آثار اخروی معنویت

باید توجه جوانان به معاد و آخرت سوق داده شود. تفاوت جوانی که به معاد ایمان دارد و جوانی که به معاد ایمان ندارد در این است که جوان اول مرگ را پایان زندگی نمی‌داند و مرگ آغازی جدید است و فناپذیر. جوان‌ها باید بدانند که آخرتی وجود دارد و این علم آن‌ها تأثیر بسزایی در طریق زندگی آنان دارد. اگر آنان بی‌اعتقاد به معاد باشند دیگر انگیزه‌ای برای انجام فرایض و شوق به ادامه زندگی را از دست خواهند داد. و حال این‌ها این‌که معاد امری

انکارناپذیر می‌باشد و آدمی با تمامی اختیارات و قدرت‌هایی که دارد در برابر معاد عاجز و ناتوان است.. ﴿قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران/۱۶۸) یاد مرگ خواهش‌های باطل را از دل زایل می‌کند و ریشه‌های غفلت را می‌کند، و دل را به وعده‌های الهی قوی و مطمئن می‌گرداند و طبع را رقیق و نازک می‌سازد و علم‌های هوا وهوس را می‌شکند و آتش حرص را فرو می‌نشانند و دنیا را حقیر و بی‌مقدار می‌سازد «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمَيِّتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَ يَقْطَعُ مَنَابِتِ الْغَفْلَةِ وَ يُقْوِي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ يُرِقُّ الطَّلْعَ وَ يَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَى وَ يُظْفِرُ نَارَ الْحِرْصِ وَ يُحَقِّقُ الدُّنْيَا» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۷۱)

یاد مرگ همچنین باعث آسان شدن سختی‌های زندگی می‌شود و دیگر جوان مشکلات و موانع موجود در مسیر زندگی را به آسانی می‌گذرانند. وقتی جوان تنها به فکر دنیا و امور دنیوی باشد آلوده به غفلت می‌شود و یاد مرگ این آلودگی را می‌زداید. همچنان که پیامبر اکرم ﷺ به این موضوع اشاره کرده‌اند: همچنان که آهن زنگ می‌زند این دلها نیز زنگار می‌بندد. عرض شد: ای رسول خدا صیقل دادن آن‌ها به چیست؟ فرمود: تلاوت قرآن و به یاد مرگ بودن. «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدُّ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ إِذَا أَصَابَهُ الْمَاءُ قِيلَ: وَمَا جَلَّأُهَا؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ» (ابن ابی جمهور: ۲۷۹/۱)

بنا براین: با بیان آثار و برکات اخروی ایمان و معنویت؛ جوانان اعمال خود را بیهوده نمی‌انگارند و با دانستن این که اعمال در دنیا نتیجه و آثاری در آخرت دارند به سوی معنویات ترغیب خواهند شد. قضیه معاد، قضیه محاسبه، قضیه تمام نشدن قضایا با زوال جسم - با مرگ - است؛ این خیلی مسئله مهمی است؛ این که حساب و کتابی در کار است؛ ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾. (زلزله/۵) ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه عملی‌اش این معنا باشد که ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾، (زلزله/۶) در زندگی‌اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد. اعتقاد به امتداد نتایج عمل، ایثار و جهاد را معنا می‌بخشد و منطقی می‌کند. یکی از ابزارهای مهم ادیان - که در اسلام به طور واضحی وجود دارد - مسئله جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ و الا جهاد نخواهد شد. (امام خامنه‌ای، بیانات

در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۸۹/۹/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir>: <https://khl.ink/f/10664>

۳. تقویت فرهنگ شهادت طلبی در جوان

مرگ و زندگی مهم‌ترین مسئله آدمی در طول تاریخ است. آدمی فطرتاً طالب حیات است و متقابلاً از مرگ فراری است، لذا جدی‌ترین مسئله در زندگی را مرگ تشکیل می‌دهد که دغدغه انسان را به خود اختصاص داده است. نوع نگاه آدمی به مرگ تأثیر بسیار قابل توجهی در نحوه زندگی آدمی دارد. (بهرمان؛ ۵۲/۱۳۹۰)

ایثار یعنی از خودگذشتگی. در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. خوب، چرا من از خودم بگذرم؟ این اعتقاد به معاد است که این را منطقی می‌کند، عقلانی می‌کند. وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه اعمال محفوظ است و ما در آن زندگی واقعی - که حیوان واقعی و زندگی واقعی است؛ ﴿إِنَّ التَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ این اعمال را در مقابل چشممان خواهیم دید، آن وقت این‌جا اگر برای تکلیف، برای وظیفه یک چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمی‌کنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد، ولو آن چیز عزیزان و فرزندانمان باشد. باید اینها جزو الگوی پیشرفت بیاید و در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۸۹/۹/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir>: <https://khl.ink/f/10664>)

خانواده دین باور با تقویت فرهنگ شهادت طلبی در جوان، نگاه وی را به زندگی متفاوت کرده و با تقویت روحیه انقلابی در وی، معنویت او را افزایش داده و افرادی چون؛ شهید سلیمانی‌ها و شهید حججی‌ها و شهید زمانی‌ها که مدافع انقلاب شدند را به ذات اقدس اله هدیه نموده و با حماسه‌سازی شهدا، الگویی برای جامعه و دیگر جوانان رقم زدند، این افراد در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که بذریه روحیه انقلابی را توسط معنویت در فرزندان خود آبیاری نموده و پس از تقویت آن به ثمره آن دست یافتند که همان قرب الهی است. و همه مراحل مذکور ذی مقدمه این اصل مهم؛ می‌باشد.

نتیجه‌گیری

فرهنگ مقوله‌ای بسیار گسترده می‌باشد و عامل سازنده هویت فردی و اجتماعی است از آنجایی که نیروی جوان نه تنها از سرمایه‌های عظیم هر ملت و مملکتی است که از نعمت‌های پر ارج خداست. لذا همه توجهات باید به سمت جوان مملکت معطوف بشود. آموزش نکات مهم و کلیدی در دوران جوانی یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های هر ملتی است چرا که جوانی دوره‌ای است که در آن علوم و فنون ثبوت و رسوخ بیشتری در جوان دارد. با بیان بایدها و نبایدهای رفتاری و عمل جوان به آن‌ها شخصیت وی به عنوان فردی مؤثر در جامعه شکل می‌گیرد. نباید استعدادهای و گرایش‌های معنوی جوان نادیده گرفته شود. نفس او پاک و عاری از هر گونه ناملاطی است. باید اجازه داد طبق فطرتش زندگی کند و مانع رشد او نشوند، بلکه برای تسریع روند رشد وی با ارایه الگوهای مناسب در این مسیر سرنوشت ساز او را یاری نمود، چرا که شخصیت جوان در این دوره شکل می‌گیرد و با شکل‌گیری درست این شخصیت، آینده وی تضمین می‌شود چه بسا همین جوانان پرورش یافته بتوانند جوانان دیگر را به راه راست هدایت نموده و به مرور جامعه را به رشد و تعالی برسانند. از جمله راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت در نسل جوان توسط خانواده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱. معنویت افزایشی توسط رفتار عملی ۲. معنویت افزایشی توسط رابطه معرفتی

معنویت افزایشی توسط رفتار عملی از طریق:

۱. جلب اعتماد جوان ۲. همراهی علم و عمل ۳. درک جوانان و نیکی به آنان ۴. تشویق جوانان به معنویت ۵. شکوفاسازی گرایش جوانان توسط خانواده؛ چرا که فطرت انسان‌ها و به خصوص جوانان پاک است و باید زمینه‌هایی درست فراهم شود تا استعدادهای و گرایش‌های پاک او که از سرشتش نشئت گرفته و شکوفا شود. و فراهم‌سازی این زمینه‌ها در مرحله اول بر عهده خانواده است.

۲. معنویت افزایشی توسط رابطه معرفتی از طریق:

۱. تقویت فرهنگ معنویت توسط خانواده
 ۲. بیان بایدهای ارزشی شریعت محور برای جوان؛ تا جوان بایدها و نبایدها را توسط خانواده بشناسد و عمل والدین را مشاهده نموده و با این فرهنگ رشد کند.
 ۳. آشنایی جوانان با توحید و بیان آثار دنیوی و اخروی معنویت؛ که او بداند معنویت و ایمان در هر دو عالم باعث سعادت خواهد شد.
 ۴. تقویت فرهنگ شهادت طلبی در جوان؛ و همه مراحل مذکور ذی مقدمه این اصل مهم؛ می باشد.
- در موارد مذکوره آیات و روایات و همچنین بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله اشاره شده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بی تا، محققین: محمد ابوالفضل اراهیم، ج ۲۰، نشر الحیاء التراث العربی، ک ۸۱۷
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی العالی العزیزیه فی احادیث الدینیہ، جلد ۱
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، تحف العقول، قم، چاپ دوم، جامعه مدرسین
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۰، طرف من انباء والمناقب، مشهد، چاپ اول، تاسوعا.
۵. اسلامی نسب، محمد علی، ۱۳۸۰، رابطه دین و دنیا، منبع: حکومت اسلامی شماره ۲۱
۶. امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، با مقدمه ای از علی خامنه ای، جلد ۱۶، نشر مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. امام سجاد، حضرت علی بن الحسین، ۱۳۷۴، ترجمه: حسین انصاریان، ویرایش: حسین استاد ولی، تهران، پیام آزاد
۸. انوی، حسن، ۱۳۸۶، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، چاپخانه مهارت، جلد ۷، انتشارات سخن، چاپ چهارم
۹. بانکی پور فر، امیرحسین، ۱۳۸۰، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، احمد قماشچی، تهران، نشر تربیت اسلامی، وزارت آموزش پرورش، چاپ اول
۱۰. بخشیان، ابوالقاسم، ۱۳۸۱، پرواز در فضای جوانی، چاپ اول، نشر روحکاشانی، مولا محسن، ج ۳، چاپ قم، ناش: مؤسسه المحب
۱۱. بهرمان، نسترن، ۱۳۹۷، الزامات اخلاقی برخاسته از ایمان به معاد از منظر نهج البلاغه، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران
۱۲. پاک نیا، عبدالکریم، بی تا، منشور نسل جوان در سیره امام صادق علیه السلام، شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۵۷-۵-۸۰.
۱۳. پور امینی، محمد باقر، ۱۳۸۸، پیامبر و جوان امروز، قم، کتابخانه طاها، تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

۱۴. پور علی فرد، محمد مهدی، ۱۳۷۹، روش تربیت دینی جوان و نوجوان، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات شاکر.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه، قم، مؤسسه ال البيت.
۱۶. حرانی، حسن بن شعبه، ۱۳۷۶، تحف العقول عن آل رسول ﷺ ترجمه: محمد باقر کمره‌ای و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، چاپ ششم انتشارات کتابچی.
۱۷. خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹ش، جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها، انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی، قم، چاپ ۲
۱۸. دشتی، محمد، ۱۳۸۰، نهج البلاغه، قم، چاپ ۱۱، مؤسسه انتشارات مشهور.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۶، فرهنگ دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱۰
۲۰. دهقانی اشکذری، ۱۳۸۹ علی محمد، اسلام و جوانان و تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام، قم، چاپ اول، انتشارات احمدیه
۲۱. راوندی، الدعوات، قم، دارالحدیث، بی‌تا.
۲۲. سادات، محمد علی، ۱۳۷۴، راهنمایی پدران و مادران، جلد ۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۲۳. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین سیاح، انتشارات اسلام، جلد ۱، چاپ ۱۷
۲۴. شرفی، محمد رضا، ۱۳۹۴، دنیای نوجوان، چاپ ۱۸، ناشر منادی تربیت
۲۵. شریف الرضی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، مصحح: فیض الاسلام، قم، چاپ اول، هجرت.
۲۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، مطبع الحیدریه، بی‌تا.
۲۷. شهید مطهری، مرتضی، بهمن، ۱۳۶۹مجموعه آثار، ج ۲، چاپ اول، انتشارات صدرا.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، الخصال، المجموعه: مصادر الحدیث الشیعه، قسم الفقه، تحقیق تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ناشر: منشورات جامعه المدرسین فی حوزه علمیه قم.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰ش، مکارم الاخلاق، قم، ایران، الشریف الرضی
۳۰. طبرسی، علی بن حسین، ۱۳۶۵، مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، تهران، چاپ دوم، نشر فراهانی.
۳۱. طوسی، امالی، ۱۳۸۸، امالی شیخ طوسی، ج ۱، مترجم: صادق حسن زاده، قم، چاپ اول، نشر: اندیشه هادی

۳۲. عارف صداقت، محمد، ۱۳۸۷، جوان و جوانی در سیره اهل بیت علیهم السلام، معاونت پژوهش قم، چاپ اول، چاپخانه: جامعه المصطفی، برای جامعه المصطفی علیهم السلام العالمیه.
۳۳. طباطبائی، محمد حسین، سال ۱۳۷۰، قرآن در اسلام، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، اسفندماه
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۴۰۳ بحار الانوار، ج ۷۷، چاپ سوم، انتشارات الوفاء، بیروت.
۳۵. علی بن ابی طالب، امام اول، ۱۹۹۰م، غررالحکم و دررالکلم، پدید آوران: آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، مصحح: مهدی رجایی، قم، ایران، ناشر: دار الکتب الاسلامی
۳۶. عمید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ عمید، انتشارات معین، تهران، چاپ ۱
۳۷. الغیره پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، جلد ۱، نشر دنیای دانش.
۳۸. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۸۸، گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، چاپ ۹، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۳۹. فونتا، دیوید، ۱۳۸۵، روان شناسی دین و معنویت، مترجم: الف / ساوار، چاپ اول، نشر ادیان
۴۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، چاپ ۱۱، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۴۱. قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۳، سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه انتشارات فراهانی
۴۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ هـ، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، جلد ۱، تهران، چاپ ۴، دار الکتب الاسلامیه.
۴۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم والمواعظ (للیثی)، قم، چاپ اول، دارالحدیث.
۴۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۵۷، بحار الانوار، ج ۷۵ و ۷۸، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء.
۴۶. محمدی ری شهری و دیگران، محمد، ۱۳۸۴، منتخب میزان الحکمه، چاپ سوم، دار الحدیث قم
۴۷. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۳، میزان الحکمه، ج ۱۰، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
۴۸. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۷ش، تهاجم فرهنگی، قم، چاپ دهم، انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی علیه السلام

۴۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ دیبا، ج ۲، چاپ ۲.
۵۰. منسوب به جعفر بن محمد امام ششم، ۱۳۶۰ ش، مصباح الشریعه ومفتاح الحقیقه، ترجمه: حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۵۱. نوری طبرسی، حسین، بی تا، مستدرک الوسائل الشیعه، جلد ۶، و جلد ۸، بیروت، مؤسسه ال بیت الاحیا التراث.
۵۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۳۸۹، تاریخ الیعقوبی، ترجمه محمد بن ابراهیم آیتی، چاپ ۱۱، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۵۳. رامین ترابی، نشریه حدیث زندگی بهمن ۱۳۹۲. www.al-shia.org
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>